

Comparison and textual analysis of Malik Ashtar's covenant & Khutbah Ghara

Based on the speech act theory

Atefeh khodayi¹

Associate Professor, Department of Persian Language & Literature, Open University, Al-Mustafa
International University of Qom, Qom, Iran.

Zeinab arabnejad ²

Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Farhangian University of Tehran,
Tehran, Iran.

Abstract

Speech act theory is one of the linguistic theories that can be used in the analysis of literary texts. This theory was formed based on Austin's theories and he called the units of language communication speech act. The theory was revised and modified by John Searle, and he divided it into five categories: assertive, directive, commissive, expressive, and declarative. current research, I intend to use this theory to examine one of the letters (Ahad Namah of Malik Ashtar) and one of It is sermons. The common aspect that led to the selection of these two texts is the instructional aspect, in other words, the dominance of motivational action on these texts. In addition to examining these similarities, due to the difference in the audience of these two texts, the following article has also examined how to use direct and indirect actions and also some distinctions within the actions.

Keywords: speech act theory, textual analysis, Sarle, Khutbah Ghara, Malik Ashtar's covenant .

¹ Email: A.khodayi@mou.ir

² Email: arabnejadz@yahoo.com

مقایسه و تحلیل متن شناسانه عهدنامه مالک اشتر و خطبه غراء

بر اساس نظریه کنش گفتار

عاطفه خدایی لبقوان^۱

استاد همکار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

زینب عرب‌نژاد^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران

چکیده

نظریه کنش گفتار یکی از نظریات زبان‌شناسی است که می‌تواند در تحلیل متون ادبی استفاده شود. این نظریه بر پایه نظریات آستین شکل گرفت و او واحدهای ارتباط زبانی را کنش گفتار نام نهاد. این نظریه را جان سرل جرح و تعدیل کرد و آن را به پنج دسته تقسیم نمود: اظهار، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی. مقاله حاضر درصدد استفاده از این نظریه برای بررسی یکی از نامه‌ها (عهد نامه مالک اشتر) و یکی از خطبه‌ها (غراء) است. وجه اشتراکی که موجب انتخاب این دو متن شده، جنبه ارشادی و به عبارتی غلبه کنش ترغیبی بر این متون است. مقاله پیش رو علاوه بر بررسی این شباهت‌ها، به موجب تفاوت مخاطبان این دو متن، چگونگی استفاده از کنش‌های مستقیم و غیر مستقیم و نیز برخی تمایزات درون کنش‌ها را نیز بررسی کرده است.

کلید واژه‌ها: نظریه کنش گفتار، بررسی متن شناسی، سرل، خطبه غراء، عهدنامه مالک اشتر.

¹ Email: a.khodayi@mou.ir

² Email: arabnejadz@yahoo.com

۱. مقدمه

زبان‌شناسان برای تحلیل متون، الگوهای مختلف و متنوعی ارائه داده‌اند که بر پایه منابع متفاوتی چون ایدئولوژی، تاریخ، فلسفه، ساختارهای اجتماعی و قراردادهای زبانی شکل گرفته است. نظریه «کنش گفتار»^۱ از جمله نظریاتی است که در تکامل تحلیل و نقد متون نقش بسزایی ایفا کرده است. کنش گفتار در واقع اصطلاحی تکنیکی در زبان‌شناسی و فلسفه است که به مطالعات جان آستین، فیلسوف انگلیسی بازمی‌گردد. او به اهمیت نقش فعل در جمله‌ها اشاره کرد و به تحلیل متن بر اساس همین نقش پرداخت. از مطالعات آستین در حوزه مذهب و اعتقادات دینی، به ویژه مطالعه بر روی عهد عتیق و جدید به کرات استفاده شده است.

در ادامه تحقیقات آستین و در دهه‌های بعد جان سرل با ارائه مقالاتی به نقد نظریه آستین پرداخت و پس از آن طبقه‌بندی جدید خود را (پنج‌گانه سرل) ارائه داد. در این مقاله که با روش تطبیقی-تحلیلی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای انجام گرفته است، با استفاده از نظرات سرل، افعال و کنش‌ها را در خطبه‌ای از نهج البلاغه و عهدنامه مالک اشتر بررسی کرده و سپس به مقایسه و تحلیل این دو متن می‌پردازیم.

۱-۱. پیشینه تحقیق

خیلی پیش تر از آستین بحث در مورد زبان و کارکردهای آن در دوره کلاسیک رواج داشت. فیلسوفان دوره کلاسیک گمان می‌کردند که کارکرد اصلی زبان این است که واقعیتی را کاذب یا صادق توصیف کند. «این تلقی از زبان، فیلسوفان پوزیتیویست را به این نتیجه رساند که گزاره‌های زبانی یا توصیفی‌اند یا ارزشی.» (سرل، ۱۳۸۵: ۲۸)

از دید پوزیتیویست‌های منطقی گزاره‌های ارزشی تجربه ناپذیرند و صرفاً احساسات و عواطف شخصی را اظهار می‌کنند. بنابراین معیار اینان برای معناداری تجربه‌پذیری بود و گزاره‌های توصیفی می‌توانند از پس نشان دادن واقعیت برآیند. علاوه بر این «معنی‌شناسان منطقی معتقد بودند که اصل زبان بر پایه جمله‌های خبری بوده و کارکرد اصلی زبان اطلاع دادن از طریق جمله‌های خبری است که قابل صدق و کذب هستند. نظریه کنش گفتاری ردیه‌ای بر ایده اول است.» (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۷۴) به نظر آستین، نوعی از جمله‌ها از دید فیلسوفان قدیم پنهان مانده است. او این جمله‌ها را که در حین بیان به معنای انجام کاری نیز هستند، جمله‌های کنشی نامید. مثلاً هنگامی که قاضی می‌گوید: من شما را به حبس ابد محکوم می‌کنم، شما در واقع به حبس ابد محکوم می‌شوید. آستین این جمله‌ها را کنشی نامید.

۲. بحث و بررسی

^۱ speech act

جان آستین

جان لانگ شاو آستین^۱ با ارائه مجموعه سخنرانی‌هایی که بعدها با نام «چگونه با واژگان کار انجام دهیم؟»^۲ منتشر شد، رویکرد کاربردی خود را درباره جمله‌ها و به ویژه افعال ارائه داد.

آستین معتقد بود که ارزش صدق و کذب برای برخی جمله‌ها قابل تعیین نیست (حتی وقتی جمله‌ها خبری هستند مانند قسم می‌خورم دیگر دروغ نگویم) علاوه بر این برخی افعال و به تبع آن جمله‌ها اصولاً خبری نبوده و ارائه دهنده کنش می‌باشند. آستین معتقد است با بیان بعضی افعال، انجام عملی نیز محقق می‌شود (برای مثال مثال وقتی شخصی عذرخواهی می‌کند، همراه با بیان فعل، عمل عذرخواهی نیز تحقق می‌پذیرد). آستین به افعالی که به نوعی کنش یا عمل اشاره دارند، «پاره گفتارهای^۳ بیانی»^۴ می‌گوید. به اعتقاد او در این جمله‌ها دیگر، بحث بر سر کذب و صدق نیست. به جای این روش تعیین ارزش، می‌توان بحث اقتضاء را مطرح کرد و پاره گفتارها را متناسب^۵ یا نامتناسب^۶ نام نهاد.

او در آغاز این گونه جمله‌ها را در برابر جمله‌های اخباری (حاکوی) گذاشت که به توصیف می‌پرداختند و قابلیت صدق و کذب داشت. او افعال را به دو دسته اخباری و کنشی تقسیم کرد و نکاتی را در تفاوت میان آن دو عنوان کرد. از آن جمله می‌توان به عدم وجود صدق و کذب در افعال کنشی اشاره کرد. بعدها او در این تقسیم بندی دچار تردید شد و همه افعال را به نوعی در گروه افعال کنشی قرار داد. او با دقت در جمله‌های اخباری (حاکوی) متوجه شد آن‌ها نیز بیانگر حقیقتی هستند، بنابراین در این دسته بندی تجدید نظر کرد. آستین بار دیگر این نظریه اعلام کرد که جمله‌ها را می‌توان به دو دسته معنادار و بی‌معنا تقسیم بندی کرد. اما در میان جمله‌های روزمره دسته‌ای وجود دارند که نه بی‌معنی‌اند و نه خبری. او این جمله‌های معنادار را که خبری نبودند، جمله‌های کنش نامید. در واقع جمله‌های کنشی دسته‌ای از جمله‌ها هستند که به صورت قراردادی عمل می‌کنند؛ مانند گفتن کلمه «بله» هنگام ازدواج. در میان اظهارات زبانی طبقه مهمی وجود دارد که خبری‌اند، اما صادق و کاذب نیستند؛

مانند این جمله: «قول می‌دهم که شما را ببینم. شما با کلمه قول دادن در واقع تعهدی را ایجاد می‌کنید.

آستین برای تحلیل کنش‌های گفتاری سه سطح کاربردی در نظر گرفت:

- فعل تلفظی (کنش بیانی)^۶

^۱ john longshaw austin

^۲ how to do things with words?

^۳ performative utterance

^۴ felicitious

^۵ infelicitous

^۶ locutionary act

- فعل مضمون در سخن (کنش غیر بیانی)^۱

- فعل ناشی از سخن (کنش پس بیانی)^۲

«به اعتقاد آستین، تولید يك کنش گفتاري نیازمند گوینده‌اي است که پاره گفتار بیانی را تولید کند. آستین تولید چنین پاره گفتاري را کنش بیانی نامید. افزون بر این، کنش مذکور تأثیری بر مخاطب می‌گذارد که کنش غیر بیانی نامیده می‌شود. اصطلاح کنش گفتار، به همین تأثیر، یعنی کنش غیر بیانی بازمی‌گردد. آستین علاوه بر این، به کنش پس بیانی نیز اشاره می‌کند. کنش پس بیانی، واکنش مخاطب نسبت به کنش گفتار است.» (صفوی، ۱۳۸۴: ۸۱)

جان سرل

در کنار آستین و پس از او زبان‌شناسان و فیلسوفان متعددی به بررسی ماهیت «کنش گفتار» پرداختند، اما آرای سرل در این میان اهمیت بسزایی یافت. جان سرل به نقد آرای آستین و تقسیم‌بندی کنش‌های او پرداخت. به نظر سرل تمایزی که آستین میان کنش بیانی و پس از بیانی می‌گذارد و مبنای تحلیل خود را بر پایه کنش بیانی قرار می‌دهد، درست نیست و نمی‌توان بدون تأمل در مورد کارکرد ذهن به تحلیل زبان پرداخت. اختلاف او با آستین در مورد کنش بیانی است. سرل کنش بیانی را رد می‌کند و به توضیح پاره گفتار^۳ و کنش گزاره‌ای^۴ می‌پردازد. در مورد کنش پس بیانی نظر او با آستین یکی است.

آنچه او کنش گفتار می‌نامد، غالباً همان کنش غیر بیانی است که آستین توضیح می‌دهد. علاوه بر این سرل، دسته‌بندی آستین از کنش‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد و مهم‌ترین اشکال طبقه‌بندی آستین را عدم وجود مبنا و اصولی واضح برای دسته‌بندی افعال و کنش‌های مرتبط به آن‌ها می‌داند. (searl.p8 a claccification of illocutionary act)

- حال باید دید منظور سرل از پاره گفتار و گزاره چیست ؟

کنش پاره گفتار، ردیف کردن کلمه‌هایی است که معنی آن کامل نیست. اگر این کلمه‌ها با کنش گزاره‌ایی همراه شوند، دارای معنا می‌شود. به عبارتی شما می‌توانید تعدادی کلمه پشت سر هم ردیف کنید، اما اگر آن کلمه‌ها معنایی را منتقل نکنند، در حد پاره گفتار باقی می‌مانند. اما اگر حاوی پیامی نیز باشند با کنش گزاره‌ایی همراه شده‌اند. در نتیجه کنش گزاره‌ایی بی شک حاوی کنش یک توان منظوری است. (البته این دیدگاه سرل در مورد کنش گفتار به نظر آستین در باب کنش گفته شباهت دارد که آن را مجموعه‌ایی از آواها، کلمه‌ها و نحو زبان می‌داند.) تفاوت دیگری که میان کنش گزاره‌ایی و پاره گفتار وجود دارد، حالت ارجاعی بودن است. به نظر سرل کنش گزاره‌ایی حالت ارجاعی کاملی دارد؛ مانند این جمله که یک مرد آمد.

¹ Illocutionary act

² prelocutionary act

³ utterance act

⁴ pripositionai act

اما کنش پاره گفتار نیازمند بافت و موقعیت خاصی است که آن جمله به آن ارجاع داده شود؛ مانند «او مرد است».

در یک بافت خاص این جمله به شخص خاصی ارجاع داده می‌شود.

سرل، کنش‌های گفتاری را در پنج کلاس طبقه‌بندی می‌کند. پیش از توضیح این طبقه‌بندی پنج‌گانه، لازم است به عوامل متعددی اشاره کنیم که سرل برای تعیین گونه‌های کنشی خود ارائه داده است. مهم‌ترین این عوامل، نکته غیر بیانی، تطبیق و وضع روانی است. در ادامه به تعریف برخی از این نکات می‌پردازیم.

۱- نکته غیر بیانی: این نکته در واقع قصد یا هدف تولید کنش است. به طور طبیعی هر کنشی هدف خاصی را دنبال می‌کند و به واسطه این اهداف مشترک می‌توان بعضی کنش‌ها را در یک گروه طبقه‌بندی کرد. برای مثال قول دادن، تحمیل یک اجبار از سوی گوینده، برای انجام یک عمل توسط اوست.

۲- تطبیق: سرل معتقد است برخی افعال بیانی به واسطه نکته غیر بیانی خود (یا به واسطه محتوای حاکم بر کنش) زبان خاصی برای انطباق با جهان خارج دارد. برخی جمله‌ها می‌خواهند جهان را با کلمه‌ها انطباق دهند و برخی جمله‌ها می‌خواهند کلمه‌ها را با جهان انطباق دهند.

۳- وضع روانی: کسی که سخن می‌گوید، توضیح می‌دهد و یا ادعا می‌کند، باور خود را به نمایش می‌گذارد. اما کسی که قسم می‌خورد یا تهدید می‌کند، قصد خود را برای انجام کاری نشان می‌دهد. فردی که فرمان می‌دهد یا تقاضا می‌کند، خواست خود را بیان می‌کند و آن‌که عذرخواهی می‌کند، پشیمانی خود را از انجام عملی نشان می‌دهد. در انجام هر کنش غیر بیانی با محتوای خاص خود، حالت یا وضعیت روحی نشان داده می‌شود. بیان وضع روحی گوینده، راهی برای طبقه‌بندی کنش‌هاست. برای مثال خواستن، افعالی چون تقاضا کردن، فرمان دادن، درخواست کردن و دعا کردن را در یک گروه قرار می‌دهد.

بر اساس عوامل بیان شده «به اعتقاد سرل هر کنش دارای نکته غیر بیانی است که بر حسب وضع روانی گوینده و با توجه به محتوای کنش، در تطبیق با جهان خارج تولید می‌شود.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۹)

علاوه بر این سه نکته اساسی، سرل به نکات دیگری نیز اشاره دارد که فهرست‌وار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- تفاوت در قدرت بیانی کنش‌ها:

(به دو فعل زیر توجه کنید که در یک کنش جای می‌گیرند: قسم می‌خورم که او پول را دزدیده است و حدس می‌زنم که او پول را دزدیده است.)

- موقعیت گوینده و شنونده در پاره گفتار بیانی:

(اگر افسري از زیردست خود بخواهد اتاق را تمیز کند، يك دستور محسوب مي‌شود. در حالي‌كه در شكل عكس مي‌تواند فقط يك درخواست يا پيشنهاده باشد.)

-تفاوتي كه در علائق گوینده يا شنونده در ارتباط با پاره گفتار وجود دارد. (تبريك و تسليت در يك كنش جاي دارند، اما حس متفاوتي به وجود مي‌آورند كه در آماده سازي شرايط براي ايجاد كنش اهميت دارد.)

-تفاوت در ارتباط با ادامه گفتمان (برخي پاره گفتارها گوینده را ملزم به ادامه گفتار مي‌كنند. پاره گفتار بعدي ممكن است در همان طبقه كنشي پاره گفتار اول نباشد.)

-محتوای پاره گفتار (براي مثال، گزارش دادن و پيش بيني كردن در محتوای مرتبط با پاره گفتار متفاوتند يكي به گذشته و ديگري به آينده ربط دارد.)

حال به طبقه‌بندي پنج‌گانه سرل از پاره‌گفتارها مي‌پردازيم:

۱- كنش اظهاري^۱

كنش‌هاي اين گروه، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده (در درجات گوناگون) نشان مي‌دهد. افعال اين گروه با سيستم ارزش‌گذاري صدق/كذب قابل ارزيابي‌اند. وضع رواني در اين كنش، باور گوینده و تعهد انجام كار را به نمايش مي‌گذارد. به عبارتي اين دسته از افعال بيانگر اعتقادات گوینده هستند و محتوای گزاره ابي را با جهان خارج تطبيق مي‌دهند. (به قول او رویکردی word to world دارند)

درصد بالايي از افعال كنشي كه اهداف بياني در خود دارند، در اين طبقه جاي مي‌گیرند. برخي از افعالی كه در اينگونه كنش‌ها استفاده می‌شود عبارتند از تأييد كردن، تصديق كردن، بيان كردن، اظهار كردن شرح دادن، دليل آوردن، گزارش دادن ...

۲- كنش ترغيبي^۲

در اين اظهارات گوینده از شنونده می‌خواهد کاری را به انجام برساند يا از انجام کاری دست نگاه دارد. اين گونه اظهارات را می‌توان به اعتبار دسته بندی‌های سنتی همان امر و نهی دانست. در اين كنش‌ها گوینده می‌كوشد جهان را با محتوای گزاره‌اي كنش تطبيق دهد (به قول سرل رویکردی world to word دارند).

¹ assertive or representative act

² Directive act

این تلاش در شکل بسیار ظریف آن چون دعوت کردن تا اشکال قوی چون دستور دادن دیده می‌شود. نکته این کنش در این است که مخاطب به کاری وادار شود، پس از مقوله خواستن است. از جمله فعل‌هایی که در این گونه کنش‌ها به کار می‌رود می‌توان به این موارد اشاره کرد: اجازه دادن، التماس کردن، اخطار کردن، خواهش کردن، تقاضا کردن، اصرار کردن، توصیه کردن، توضیح خواستن ...

۳- کنش تعهدی^۱

در این کنش نکته غیر بیانی، تعهد گوینده (در درجات مختلف) به انجام عملی در آینده است. محتوای کنش قصد انجام عمل و تطبیق چون کنش ترغیبی، صورت گرفتن عملی در جهان خارج و در آینده است. تفاوت این مطلب در دو کنش، به انجام دهنده عمل بازمی‌گردد. (شنونده در کنش ترغیبی و خود گوینده در کنش تعهدی) برخی از افعال به کار رفته در این کنش عبارتند از: موافقت کردن، قول دادن، ضمانت کردن، تعهد کردن، تقدیم کردن ...

۴- کنش تأثیری^۲

هدف غیر بیانی در این کنش، بیان وضعیت ذهنی و روانی گوینده در هنگام کنش است. وضعیت گوینده بر اساس فعلی که انجام می‌شود، متفاوت است. تطبیق در این کنش وجود ندارد چرا که لازم نیست کنشی با جهان خارج منطبق شود. اهانت کردن، ناسزا گفتن، همدردی کردن، تعجب کردن، سلام کردن، تمجید کردن، احترام گذاشتن، تشکر کردن و ... از جمله افعالی است که در این کنش به کار می‌رود.

۵- کنش اعلامی^۳

در این کنش گوینده شرایط جدیدی را به مخاطب اعلام می‌کند. با این اعلام تغییراتی واقعی در جهان ایجاد می‌شود. این کنش ناشی از قدرت گوینده در ایجاد تغییرات است. ساختار معنایی برخی از جمله‌ها در واقع شکل اعلامی آن‌ها را نشان نمی‌دهد، در حالی که در آن‌ها کنش اعلامی نهفته است. برای مثال وقتی شخصی می‌گوید: «من استعفا داده‌ام» در واقع می‌گوید که من اعلام می‌کنم وظیفه شغلی من به پایان رسیده است. برخی از افعال به کار رفته در این کنش عبارتند از: اعلام کردن، انتصاب کردن، برکنار کردن و ...

- کنش مستقیم و غیر مستقیم

بخش دیگر از نظرات سرل در باب کنش‌ها، تقسیم‌بندی آن‌ها به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم است. سرل توضیح می‌دهد که کنش غیر مستقیم، معمولاً برای رد درخواست‌ها یا شکل‌گیری یک درخواست استفاده می‌شود. سرل معتقد است برخی از کنش‌ها دارای دو معنا هستند یک معنای تحت اللفظی و نیز یک معنای ثانویه. در واقع در کنش غیر مستقیم گوینده چیزی فراتر از معنای تحت اللفظی کلمه‌ها به شنونده منتقل می‌کند که این مسئله بر اساس اطلاعات پیش زمینه‌ای و قبلی است که به صورت دوجانبه میان شنونده و گوینده وجود

¹ commissive act

² expressive act

³ declarative act

دارد. در اینگونه کنش‌ها گوینده می‌خواهد شنونده را متوجه قصد و نیت خود کند و منظور او معنای تحت اللفظی کلمه‌ها نیست. (searl, indirect, p,60)

برای مثال يك گوینده می‌پرسد: آیا دوست دارید در کافه ملاقاتی داشته باشیم؟ و شنونده پاسخ می‌دهد: کلاس دارم.

گوینده دوم برای رد درخواست گوینده اول از کنش غیر مستقیم بهره برده است. دلیل غیر مستقیم بودن آن است که معنای لفظی جمله «کلاس دارم»، نوعی از رد درخواست را نشان نمی‌دهد.

زبان‌شناسان با این مشکل روبرو هستند که چگونه می‌توان معنای غیر مستقیم جمله را دریافت. جان سرل در این مورد پیشنهاداتی دارد که با طی مراحل تئوریک، خواننده متن را قادر می‌سازد با ابزار کنش غیر مستقیم معنای ثانویه متن را دریابد کنش غیر مستقیم در واقع همان کنش غیر بیانی غیر مستقیم است. در توضیح کنش غیر مستقیم، سرل می‌گوید که گاه گوینده، جمله‌ای را بیان می‌کند در حالیکه معنای درخواست و تقاضا در آن وجود دارد. در این موارد ظاهر جمله در يك کنش و معنای مورد نظر گوینده در کنشی دیگر اتفاق می‌افتد.

سرل برای توضیح دقیق‌تر تئوری خود، کنش بیانی اولیه و ثانویه را مطرح می‌کند. کنش اولیه غیر مستقیم است و به شکل زبانی مطرح نمی‌شود در حالی که کنش ثانویه مستقیم بوده و به صورت پاره گفتارهای زبانی اعمال می‌شود. به مثال ارائه شده در مقاله سرل توجه کنید:

۱) گوینده اول: امشب برای دیدن فیلم برویم؟

۲) گوینده دوم: باید برای امتحان فردا مطالعه کنم.

کنش غیر بیانی اولیه در مثال دوم، رد درخواست گوینده اول است. کنش غیربیانی ثانویه این مفهوم را در خود دارد که گوینده باید برای امتحان مطالعه کند. سرل با مطرح کردن دو زیر گروه در کنش‌های غیر بیانی، توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان دو معنای متفاوت را از يك پاره گفتار دریافت. به این ترتیب ممکن است گوینده جمله‌ای را بیان کند ولی معنای متفاوتی را مد نظر داشته باشد. سرل مراحل مختلفی را برای رسیدن به این دریافت مطرح می‌کند و برای تعمیم مراحل فوق به سایر کنش‌ها (علاوه بر کنش ترغیبی) و توضیح عمومی کنش غیر مستقیم، مثال‌هایی دارد که نشان می‌دهد که همه این مراحل برای هر کنشی قابل اجراست. مثال‌های سرل با توجه به اصطلاحات وی در مورد شرایط گفتار قابل درک است.*

۳. بررسی متن شناسانه خطبه غراء

خطبه غراء، یکی از خطابه‌های گهربار امیرالمومنین است که به مناسبت الفاظ شگفت‌انگیز و کلمه‌های بلند و درخشانش، غراء نامیده شده است. این خطبه از جمله خطبه‌هایی است که برای آگاه‌سازی مردمان و تحذیر و انداز ایشان ایراد شده است. امام علیه‌السلام خطبه را با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌کند و سپس مخاطبین را به پرهیزکاری سفارش می‌نماید. مطالبی که در ادامه در خطبه آمده است به شکل فهرست‌وار عبارتست از:

دنیا شناسی، وصف رستاخیز، وصف احوال بندگان خدا، مثل های پندآموز، عبرت از مرگ، معرفی الگوهای پرهیزگاری، هشدار نسبت به دشمنی شیطان، شگفتی های آفرینش انسان و پندآموزی از گذشتگان است. سید رضی در انتهای خطبه آورده است که وقتی امام این خطبه را ایراد فرمود، بدن ها به لرزه درآمد. اشک ها سرازیر و دل ها ترسان شد. این نشان از تأثیر کامل خطبه بر مخاطبان دارد.

همان طور که گفته شد، گفتار آغازین خطبه حمد و ستایش خداوند است که اسلوب متداول در خطبه های حضرت است (در حدود نیمی از خطبه های طولانی تر نهج البلاغه با واژه الحمد لله آغاز می شود). با توجه به طبقه بندی کنش های سرل که بخش اول تحقیق آمده است، افعالی چون حمد و ستایش را باید در دسته کنش های تأثیری قرار داد.

در خصوص سایر کنش ها در این خطبه باید گفت که کنش غالب به لحاظ بسامدی در این متن، کنش اظهاری است. اما کنش های ترغیبی در به لحاظ اهمیت و هم سویی با هدف نهایی و اصلی متن، در درجه نخست اهمیت قرار دارند. با این وجود، چون خطبه در حضور مردم عادی و برای انذار و تحذیر ایشان بیان شده است و شیوه رفتاری امام در طول ایراد خطبه، پند دادن و نصیحت کردن است، از خطاب های امری و مستقیم پرهیز شده است. این مسئله می تواند یکی از دلایل برتری تعدادی کنش های اظهاری در خطبه باشد.

در بالا به شکل فهرست وار به بخش های مختلف خطبه اشاره شد. یکی از جایگاه های کنش های ترغیبی متن در ابتدای هر پاراگراف است. در کل می توان گفت فقط ده فعل از میان افعال خطبه در قالب کنش ترغیبی قرار می گیرد که آن هم در معنای درون کنشی در حیطه توصیه قرار می گیرد. (نه دستور و فرمان)

- أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ: ای بندگان خدا، شما را به پرهیزگاری و تقوای خدا سفارش می کنم.

- وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَجَازَكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ مَزَالِي دَحْضِهِ: بدانید گذر شما از صراط است.

- فاتقوا الله عباد الله: پس ای بندگان خدا، از خدا بترسید.

اگر بر اساس تعاریف جمله های سوالی را در طبقه کنش ترغیبی قرار دهیم، در موارد معدودی جمله های سوالی نیز در خطبه خواهیم دید. حضرت علی (ع) از این اسلوب با هدفی خاص استفاده می کند. هدف ایشان نه گرفتن پاسخ، که بیان مطلبی با قطعیت بیشتر است. (کنش غیر مستقیم)

- أَمْ هَذَا الَّذِي أَنْشَأَ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَ شُغْفِ الْأَسْتَارِ - نُطْفَةً دِهَاقاً وَ عِلَقَةً مِخَاقاً - وَ جَنِيناً وَ رَاضِعاً وَ وَلِيداً وَ يَافِعاً - ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْباً حَافِظاً وَ لِسَاناً لَا فِظاً وَ بَصَراً لَا حِظّاً - لِيَفْهَمَ مُعْتَبِراً وَ يَقْصَرَ مُزْدَجِراً

«اگر انسان، همان نطفه و خون نیم بند نیست که خدا او را در تاریکی های رحم و غلاف های تو در تو، پدید آورد تا به صورت چنین در آمد، سپس کودکی شیرخوار شد، بزرگتر و بزرگتر شده تا نوجوانی رسیده گردید، سپس او را دلی فراگیر، و زبانی گویا، و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت ها را درك کند، و از بدی ها بپرهیزد.» (دستی، ۱۳۷۹: ۱۳۸)

– عِبَادَ اللَّهِ أَيْنَ الَّذِينَ عُمِّرُوا فَنَعِمُوا وَعُلِّمُوا فَفَهَّمُوا – وَأَنْظِرُوا فَلَهَؤُا وَسَلِّمُوا فَتَسُوا – أُمِّهَلُوا طَوِيلًا وَ مُنِحُوا جَمِيلًا – وَ حُذِرُوا أَلِيمًا

«ای بندگان خدا کجا هستند آنان که سالیان طولانی در نعمت‌های خدا عمر گذراندند تعلیم‌شان دادند و دریافتند، مهلت‌شان دادند و بیهوده روزگار گذراندند از آفات و بلاها دورشان داشتند اما فراموش کردند، زمانی طولانی آنها را مهلت دادند، نعمت‌های فراوان بخشیدند، از عذاب دردناک پرهیزشان دادند.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۴۰)

– فَهَلْ دَفَعَتِ الْأَقَارِبُ – أَوْ نَفَعَتِ النَّوَاجِبُ.

«آیا خویشاوندان می‌توانند مرگ را از او دفع کنند و آیا گریه و زاری آنها نفعی برای او دارد؟» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۳۶)

در غالب متون، کنش اظهاری به لحاظ بسامدی در رتبه نخست قرار دارد. از این کنش برای بیان مطالب و توصیف استفاده می‌شود. علاوه بر این، گاه هدفی ثانوی از کنش اظهاری مد نظر است که در متن حاضر نیز این شکل استفاده از کنش اظهاری دیده می‌شود. همان‌طور که گفته شد غالب کنش‌های این خطبه به شکلی غیر مستقیم اهداف اندازی در خود دارد. به طور قطع در ارتباط با عامه مردم و زمانی که هدف از ایراد سخن، انذار و تحذیر است، در قالب غیر مستقیم سخن گفتن تأثیری افزون خواهد داشت.

– لَمْ يَمْهَدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ – وَلَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ: در وقت سلامت توشه‌ای مهیا نکردند و در در جوانی پند نپذیرفتند.

(معنای ثانویه: پس شما برای دنیای دیگر آماده شوید و فرصت را از دست ندهید.)

– الدُّنْيَا..... حَتَّى إِذَا أَنْسَ نَافِرُهَا وَ أَطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا – قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَ قَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا...: (آن هنگام که نفرت دارندگان به آن دل بستند و بیگانگان به آن اطمینان کردند، چونان اسب چموش پاها را بلند کرده، سوار را بر زمین می‌کوبد، و با دام‌های خود آنها را گرفتار می‌کند.)

(دشتی، ۱۳۷۹: ۱۳۲)

(معنای ثانویه: به دنیا دل نبندید.)

– کنش اظهاری علاوه بر ایجاد پاره گفتارهای مستقل، می‌تواند با اهدافی متفاوت بعد از افعالی با سایر کنش‌ها بیاید.

الف – توصیف آنچه در کنش ابتدایی آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا بِحَوْلِهِ وَ دَنَا بِطَوْلِهِ..... ← کنش ابتدایی عاطفی است (الحمد لله) و در ادامه ۴ جمله اسمیه در توصیف الله که صله موصول الذی است (عَلَا بِحَوْلِهِ وَ دَنَا بِطَوْلِهِ.....)

ب – برای تقویت کنش ترغیبی از کنش‌های اظهاری پس از آن استفاده می‌شود.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ.....

در خصوص سایر کنش‌ها می‌توان گفت که دو کنش تعهدی و اعلامی در این خطبه دیده نمی‌شود.

نکات دیگری نیز در بررسی کنش‌های خطبه به چشم می‌خورد که در ادامه خواهد آمد:

۱ - جملات اسمیه همه کنش‌های اظهاری دارند. اما در نحو عربی جمله اسمیه که تا حروف مشبیه بالفعل ساخته می‌شود، تأکید و شدت بیشتری را می‌رساند. در این خطبه از این اسلوب برای بی‌زاری از دنیا استفاده شده است.

فَإِنَّ الدُّنْيَا رِئْثٌ مِّشْرُبُهَا رَدِغٌ مِّشْرَعُهَا - يُؤْنِقُ مَنْظَرُهَا وَيُؤَبِّقُ مَخْبِرُهَا - غُرُورٌ حَائِلٌ وَصَوٌّ أَفْلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسَيِّدٌ مَائِلٌ (خبر آن در هفت جمله بعد معطوف به جمله اول است.)

۲ - شهادت دادن حاوی کنش اظهاری است. البته در متون اخلاقی چنین عبارتی حاوی معنای ضمنی تعهد نیز هست.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا ص عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

۳ - معنای نهفته در برخی افعال، دلیل انتخاب آن‌ها و توان معنایی فعل را بهتر نشان می‌دهد. برای مثال در جمله «اتوکل علیه کافياً ناصراً» معنای توکل که نشان دهنده ضعف گوینده نسبت به شنونده است، بارز است.

۴ - در نحو عربی از ترکیب قد+ فعل ماضی، ماضی محقق الوقوع ساخته می‌شود. «قد حرف توقع است و بر فعل ماضی وارد می‌شود و افاده تحقیق و تثبیت می‌کند.» (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۶۴) در دیدگاه سرل، محتوای پاره گفتار، حتی می‌تواند زمان وقوع فعل را مشخص کند که در شناخت نوع کنش نیز مؤثر خواهد بود. ماضی محقق الوقوع، زمان فعل ماضی را نزدیک به حال می‌کند. این شکل از ماضی، در این خطبه، برای بیان اتفاقات پس از مرگ و وقایع آخرت استفاده شده است.

قَدْ غُودِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِينًا - وَفِي ضِيقِ الْمَضْجَعِ وَحِيدًا قَدْ هَتَكَتِ الْهُوَامُ جِلْدَتَهُ - وَأَبْلَتِ النَّوَاهِكُ جِدَّتَهُ وَعَفَتِ الْعَوَاصِفُ
آثاره

(او را در سرزمین مردگان می‌گذارند، و در تنگنای قبر تنها خواهد ماند. حشرات درون زمین، پوستش را می‌شکافند، و خشت و خاک گور بدن او را می‌پوساند، تند بادهای سخت آثار او را نابود می‌کند.) (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۳۶)

- قَدْ عَبَّرَ مَعْبَرِ الْعَاجِلَةِ حَمِيدًا وَقَدَّمَ زَادَ الْأَجَلَةِ سَعِيدًا - وَبَادَرَ مِنْ وَجَلٍ وَأَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَرَغِبَ فِي طَلَبٍ.

«با بهترین روش از گذرگاه دنیا عبور کرده، توشه آخرت را پیش فرستاده، و از ترس قیامت در انجام اعمال صالح پیش قدم شده است، ایام زندگی را با شتاب در اطاعت پروردگار گذرانده، و در فراهم آوردن خشنودی خدا با رغبت تلاش کرده است.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۳۷)

۳- بررسی متن شناسانه عهد نامه مالک (پیمان نامه)

در آغاز باید به ذکر این نکته پرداخت که این نامه در واقع شامل دستور العمل‌های امام علی (ع) به سوی مالک اشتر برای فرمانداری مصر بود. نامه با کنش اعلامی آغاز می‌شود:

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ - حِينَ وَلَّاهُ (نهج البلاغة صبحي الصالح: ۴۲۶)

این فرمان بنده خدا علی امیرالمؤمنان به مالک پسر حارث است در عهدی که با او دارد هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزیند. (همان: ۴۰۳)

البته قسمت مشخص شده در حکم جمله معترضه‌ای است که در خود یک کنش اعلامی دارد (ولاه). در ادامه جمله آنچه از لحاظ معنایی بایست به دنبال "أمر" می‌آید، آورده شده است:

- مِصْرَ حِبَايَةَ خَرَايجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا - وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا (همان: ۴۲۶)

تا خراج آن دیار را جمع کند و با دشمنانش نبرد کند کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.

سپس بخش‌های مختلف نامه آغاز می‌شود که عنوانی چون "ضرورة بناء الذات"، "اخلاق القيادة"، "التجّنب من الغرور" و ... دارد. تمامی این قسمت‌ها با فعل امر که دارای کنش ترغیبی است آغاز شده‌اند. در قسمت بعد به انواع کنش‌های به کار رفته در این متن خواهیم پرداخت.

- انواع کنش‌ها در عهدنامه با مالک اشتر

۱- کنش ترغیبی

۲- کنش اظهاری

۳- کنش اعلامی

کنش ترغیبی: پر واضح است در متنی که به نامه عهدنامه مشهور شده است و از سوی یک مرجع قانونی بالاتر به یک فرماندار نگاشته شده است بسامد کنش‌های ترغیبی به مراتب بیشتر از متنی است که فاقد این ویژگی‌هاست. امام در این متن از انواع مختلف امر در عربی که شامل امر غایب و امر مستقیم است بهره برده‌اند. اشکال استفاده از کنش‌های ترغیبی را در این نامه می‌توان به شکل امر، نهی و اسلوب تحذیر مشاهده کرد.

نمونه امر غایب

جالب است که قسمت آغازین این نامه با فعل امر آغاز شده است که در آن فاعل ضمیر سوم شخص محسوب می‌شود و امام از ضمیر اول شخص برای امر و نیز شکل امر حاضر استفاده نکرده‌اند:

– أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِيثَارِ طَاعَتِهِ... (نهج البلاغة صبحي الصالح: ٤٢٦)

بعد از یک کنش اظهاری دوباره از امر استفاده شده است که این بار در شکل امر غایب است:

– أَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بَقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ. (همان: ٤٢٦)

نمونه امر حاضر

– ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ. (همان: ٤٣٥)

سپس در امور کارمندانت بیندیش. (همان: ٤١٠)

البته مشخص است که امر حاضر درصدا ارشاد و به عبارتی کنش ترغیبی بیشتری تا امر غایب دارد. علاوه بر این در امر غایب رعایت و جانب‌داری بیشتری نسبت به شنونده انجام می‌شود و به گونه‌ای غیر مستقیم به امر می‌پردازد، اما در این نامه تعداد امر حاضر بیشتر از امر غایب است.

کنش اظهاری: اگرچه امام در مقام یک بالادست به مالک نامه نوشته است اما در عین حال به موازات کنش‌های ترغیبی از کنش‌های اظهاری هم بهره جسته‌اند. منظور ایشان از استفاده از کنش‌های اظهاری که تقریباً همگی بعد از کنش‌های ترغیبی آمده‌اند، به موارد زیر می‌توان دسته بندی کرد:

استدلال

مانند نمونه زیر:

– وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ - - فَإِنَّ سَخَطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ. (همان: ٤٢٩)

دوست داشتنی چیزها در نزد تو در حق میانه‌ترین ... که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد. (همان: ٤٠٤)

– فَأَنْظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا - فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ. (همان: ٤٣٥)

در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود. (همان: ٤١٠)

– ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ - فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ. (همان: ٤٣٥)

سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند. (همان: ۴۱۰)

توصیف

در این گونه موارد کنش اظهاری در خدمت توضیح و توصیف امر فرمان داده شده به کار گرفته شده است.

- أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِثَارِ طَاعَتِهِ.....الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا- وَلَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَإِضَاعَتِهَا. (همان: ۴۲۶)

- سُحِّ بِنَفْسِكَ.....فَإِنَّ السُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ. (همان)

نتیجه و پیامد

در این موارد کنش اظهاری معمولاً جمله‌ای است که با "ف" نتیجه آغاز شده است. امام بعد از یک جمله با کنش ترغیبی مالک را به پیامدهای رعایت نکردن این دستور و عواقب ناشی از آن متوجه می‌کند. به نمونه زیر توجه فرمایید:

- إِيَّاكَ وَمُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ.....فَإِنَّ اللَّهَ يُذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَيُهِنُ كُلَّ مُخْتَالٍ. (همان: ۴۲۶)

بپرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند بینداری، زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خودپسندی را بی ارزش می‌کند. (همان: ۴۰۴)

کنش اعلامی

البته امام در نامه‌ای جداگانه حکم انتصاب مالک را برای او نوشته‌اند. بنابر این عهدنامه در شرایطی نوشته شده است که انتصاب مالک مشخص بوده است بنابر این از نامه‌ای که حکم انتصاب محسوب نمی‌شود نمی‌توان توقع کنش‌های اعلامی بسیاری داشت.

۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه کنش گفتار یکی از نامه‌ها (عهد نامه مالک اشتر) و یکی از خطبه‌ها (غراء) مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت. کنش گفتار در واقع اصطلاحی تکنیکی در زبان‌شناسی و فلسفه است که به مطالعات جان آستین، فیلسوف انگلیسی بازمی‌گردد. او به اهمیت نقش فعل در جمله‌ها اشاره کرد و به تحلیل متن بر اساس همین نقش پرداخت. نتایج تطبیق و تحلیل دو متن به شرح زیر است:

در هر دو متن، کنش غالب به لحاظ بسامد، کنش اظهاری است که برای اهدافی چون توضیح و استدلال برای کنش ترغیبی، توصیف و بیان پیامد حاصل از کنش ترغیبی ماقبل استفاده شده است. اما به لحاظ اهمیت کنش ترغیبی در جایگاه نخست قرار می‌گیرد که با اهداف امام از ایراد خطبه ارشادی غراء و نگارش پیمان‌نامه برای فرماندار ولایت مصر در هنگام انتصاب او، هم‌خوانی دارد.

تفاوت‌هایی نیز در این میان دیده می‌شود. تعداد افعال با کنش ترغیبی در خطبه از ده فعل تجاوز نمی‌کند و بیشتر از فحوای کلام و نیز از افعال با کنش‌های دیگر، به کنش ترغیبی می‌رسیم. (کنش غیر مستقیم) البته با در نظر گرفتن مخاطبین خطبه که عامه مردم‌اند و هدف که ارشاد و تحذیر ایشان است، کاملاً هماهنگی دارد. تعداد افعال با کنش ترغیبی (و بیشتر به شکل امر حاضر) در پیمان‌نامه مالک اشتر، بسیار است. این متن که از معدود متون مکتوب امام علی^(ع) است، در جایگاه فرمانده و حاکم جامعه اسلامی به مأموری زیردست نگاشته شده است. توجه و اهتمام امیرالمؤمنین به تک تک افراد جامعه و مسئولیت‌پذیری ایشان نسبت به اعمال فرماندارانش، از انتخاب کنش‌های این نامه نیز به دست می‌آید.

شاید دلیل دیگر تفاوت‌ها به این نکته بازگردد که پیمان نامه مکتوب است در حالی که خطبه به صورت شفاهی ایراد شده است. در نامه می‌توان بهره‌گیری به جا از ساختارهای نحوی چون اسلوب تحذیر و اغراء را مشاهده کرد.

* پاره گفتار نمود فیزیکی و صوتی جمله‌های زبان است. پاره گفتار را می‌توان تولید فیزیکی واحد انتزاعی‌تری به نام جمله دانست که به صورت گفتار یا نوشتار به مخاطب انتقال می‌یابد. (صفوی، ۱۳۸۴: ۲۴)

* سرل در این مورد، اصطلاحاتی چون شرایط پیشین (preparatory condition)، شرایط گزاره‌ای (propositional condition) و شرایط صداقت گفتار (sincerity condition) دارد.

نهج البلاغه (صبحي صالح)، قم: مؤسسه دارالهجره.

حسيني، سيدعلي (۱۳۸۵)، ترجمه و شرح مباني العربية (نحو)، جلد ۴، چاپ ۱۴، قم: دارالعلم.

دشتي، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه امام علي عليه السلام، قم: انتشارات مشهور.

صفوي، كورش (۱۳۸۳)، درآمدي بر معني شناسي، چاپ ۲، تهران: سوره مهر.

_____ (۱۳۸۴)، فرهنگ توصيفي معني شناسي، تهران: فرهنگ معاصر.

Austin, J. L: How To Do Things With Words? The William James Lectures delivered at Harvard University. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press, 1970.

Searle, John R, A classification of illocutionary acts, Cambridge: Cambridge University Press, 1976.

_____ , Indirect speech act, Berkeley: University of California press, 1976.

_____ , Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language, Cambridge: Cambridge University Press, 1969.